

یادداشت
ناصر کتعمانی چافی اسخنگوی سابق وزارت خارجه

حمایت از رژیم صهیونیستی شرط بندی بر اسب بازنده

آمریکا و اروپا در طول سال‌های طولانی گذشته خاصه دوسال اخیر، حیثیت و اعتبار سیاسی خود را پای رژیم اسرائیل قربانی کرده‌اند. آنها با حمایت نامحدود از رژیم اسرائیل، عملاً با ایستادن در کنار یک جنایتکار جنگی و رژیم متهم به نسل‌کشی و کشتار دسته‌جمعی، در مقابل حقوق بین‌الملل، قواعد آمره و صلح و امنیت بین‌المللی صف‌آرایی کردند؛ حمایت آمریکا و اروپا از رژیم اسرائیل علاوه‌بر حمایت از یک مجرم بین‌المللی، شرط‌بندی بر اسب بازنده است. اسرائیل کشتی در حال غرق شدن است و اگر آمریکا و اروپا از این کشتی طوفان‌زده و شکسته پیاده نشوند، همراه آن غرق خواهند شد. اسرائیل، رژیمی اشغالگر است که به دنبال حذف نیروهای ضداشغالگری، تضعیف کشورهای منطقه و حتی تجزیه آنها و نیز سلطه بر کل منطقه از طریق زور و اعمال نامشروع قدرت است. روند تحولات هشت دهه گذشته ثابت می‌کند که سرنوشت محتوم این راهبرد به‌رغم تحمیل هزینه‌های هنگفت بر منطقه و جهان، شکست راهبردی است. احمقانه است اگر رهبران رژیم اسرائیل از موفق بودن عملیات‌های تروریستی خود علیه رهبران سیاسی و فرماندهان ارشد نظامی جبهه مقاومت در فلسطین، لبنان، یمن، ایران یا عراق احساس پیروزی کنند. راهبرد مقاومت و قدرت آن در منطقه نه‌تنها از بین نرفته و تضعیف نشده بلکه از حوزه نظامی به حوزه اعتقادی، اندیشه، فرهنگ و اجتماع در سطح منطقه و جهان تسری و تعمیم یافته است. فلسطین از مسأله‌ای منطقه‌ای به مسأله‌ای بین‌المللی و از مسأله‌ای «بین دولت‌ها» به مسأله‌ای «بین ملت‌ها» در سراسر جهان ارتقایافته‌است. در مقابل، انسجام سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی در سرزمین‌های اشغالی (اسرائیل) به نازل‌ترین سطح تنزل یافته و گسل‌های داخلی آن دهان باز کرده است. ارتش یک رژیم تا بن دندان مسلح و تحت حمایت تمام‌عیار غرب و ناتو، نتوانسته بر جنبش مقاومت در جغرافیای محدود غزه و نیز در لبنان فائق آید و در برابر ایران نیز به‌رغم حمایت‌های بی‌نظیر آمریکا، برخی دول اروپایی و ناتو، ضربات سهمگین و خردکننده‌ای دریافت کرده است. خاورمیانه جدیدی در حال شکل‌گیری است اما نه با مختصات‌ی که رژیم اسرائیل متوهمانه آرزوی آن را دارد. در خاورمیانه جدید رژیم اسرائیل دست برتر را نخواهد داشت بلکه مغفور ملت‌ها و مطرود دولت‌هاخواهد بود. رژیم اسرائیل اکنون تهدید درجه اول صلح و امنیت منطقه‌ای شناخته می‌شود و صلح با این رژیم واژه‌ای غاری از مفهوم واقعی آن است. راه‌حل دو دولتی دیگر معنا و مفهوم خود را از دست داده و واژه‌ای انتزاعی و غیرقابل تحقق به‌شمار می‌رود. رژیم اسرائیل با دست خود این «به اصطلاح راه‌حل» را دفن کرده‌است.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

ذره بین

مرگ دیک چینی، معاون بوش پسر و معمار جنگ عراق



دیک چنی، چهره جمهوریخواه جنگ طلب مشهور و معاون جورج دبلیو. بوش، معروف به بوش پسر که یکی از عوامل اصلی متقاعد کردن بوش برای حمله به عراق شمرده می‌شد، طبق اعلام خانواده‌اش «به دلیل عوارض ناشی از ذات‌الریه و بیماری قلبی و عروقی» مرده است. او که همچنین در دولت جورج اچ. دبلیو. بوش، معروف به بوش پدر نیز به عنوان وزیر دفاع و در دولت جراللد فورد، سی و هشتمین رئیس جمهور آمریکا به عنوان رئیس دفتر رئیس جمهور کار کرده، هنگام مرگ ۸۴ساله بود. چنی در سال ۱۹۷۸، از حوزه انتخابیه کلی وایومینگ به مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا راه یافت و تا ۱۹۸۹ نماینده بود. او در دوران ریاست جمهوری جورج بوش پدر، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا شد و تا ۱۹۹۳ در این سمت بود. در دوره ریاست جمهوری بیل کلینتون او از ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل ارشد اجرایی هالیبرتون بود. جان کری، وزیر خارجه اسبق ایالات متحده سال‌ها پیش و در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری فاش کرده بود که چنی و بوش از خدمت سربازی در ویتنام فرار کرده بودند. چنی طی چند دهه از چهره‌های بانفوذ در عین حال جنجالی واشنگتن به‌شمار می‌فت. اما در سال‌های پایانی عمر، با وجود پایبندی‌اش به دیدگاه‌های محافظه‌کارانه، از حزب جمهوریخواه طرد شد، چراکه به‌شدت از دونالد ترامپ انتقاد می‌کرد و او را «بزدل و بزرگ‌ترین تهدید برای جمهوری آمریکا می‌دانست.

خبر

سیدعبدالملک بدرالدين حوثی دیروز در جدیدترین سخنرانی خود به بررسی تحولات منطقه پرداخت.

رهبر جنبش انصارالله گفت: «هدف دشمنان، به‌بندگی‌کشاندن و نابودی مردم عدالت‌طلب و حقیقت‌جوست، ترس از شهادت انسان را به اعمالی وادار می‌کند که باعث نزول ارزش‌ها و سقف معنوی او می‌شود.» حوثی ادامه داد: «دشمن صهیونیستی

نیجریه با جمعیت ۲۲۰میلیون نفری در سال‌های اخیر به‌ویژه غرق در منازعات قومی، قبیله‌ای و تبهکاری شده است. در نواحی شمالی گروه‌های تروریستی بوکو‌حرام و داعش درکنار راهزنان فعال هستند وهمزمان، در مرکز کشور زمین‌داران مسیحی با دامداران مسلمان منازعه شدیدی دارند واین کلکسیون فجایع ملی باتحرکات جدایی‌طلبان جنوب شرق کشور تکمیل می‌شود. با آن‌که مشکلات و جنایات در نیجریه علیه تمامی اقشار موضوع جدیدی نیست اما این کشور آفریقایی به سوزه جدید فعالیت فضای مجازی سکاندار کاخ سفید تبدیل شده است. در همین راستا، رئیس‌جمهور آمریکا تحت تاثیر پایگاه رأی مسیحی، نسبت به تحولات منازعات داخلی نیجریه وارد صحنه شد. ترامپ در شبکه اجتماعی «سوشال تروث» نوشت: «به‌این وسیله به وزارت جنگ مان دستور می‌دهم برای اقدام احتمالی آماده شود. اگر حمله کنیم، سریع، وحشیانه و شیرین خواهد بود، درست مانند اراذل و اوباش تروریست که به مسیحیان گرامی ما حمله می‌کنند!» ورود دونالد ترامپ، چهل‌وهفتمین رئیس‌جمهور آمریکا به کاخ سفید بدون حمایت ۸۰ درصدی مسیحیان اوانجلیست و کمی بیش از ۵۰ درصد مسیحیان کاتولیک، به عنوان بزرگترین بلوک رأی‌دهنده مذهبی ممکن نبود. هرچند اعلام وفاداری مسیحیان معتقد به ترامپ، بی‌فیدو شرط نیست.

معادله چندمجهولی

نیجریه از زمان استقلال در سال ۱۹۶۰ با تنش‌های قومی-مذهبی جدی دست به‌گریبان است. در مرکز کشور، مسیحیان زمین‌دار با مسلمانان دامدار حول محور دسترسی به منافع آبی و سرزمینی با یکدیگر نزاع خشونت‌آمیزی دارند. دو گروه در چرخه باطلی از حملات تلافی‌جویانه یکدیگر را به قتل می‌رسانند. در اواسط تابستان حداقل ۵۰ مبلغ مذهبی مسلمان و ۴۰ روستایی مسیحی نیز کشته شدند. علاوه بر این در شمال غرب کشور، گروه تروریستی بوکو‌حرام و داعش شاخه آفریقا کارزار وسیع نظامی را علیه دولت آغاز کردند که زمینه مهاجرت اجباری میلیون‌ها نیجریه‌ای مسیحی را از میادین نبرد فراهم کرده‌اند. بسیاری از جوانان که از پول نفت جنوب کشور نفعی نبرده، به‌خاطر فقر و تبعیض نیروی انسانی گروه‌های تروریستی را

با نفض آشکار آتش‌بس، کمک‌های انسانی به غزه را به‌شدت محدود کرده و عملاً در مسیر نابودسازی ملت فلسطین گام برمی‌دارد. رژیم اسرائیل با بستن گذرگاه رفح و ادامه محاصره غزه، به سیاست مرگ‌تدریجی مردم ادامه می‌دهد و ادامه تهدیدها علیه مسجدالاقصی و حفاری‌های مخرب در این مکان مقدس، نشان می‌دهد که دشمن قصد ندارد به قوانین بین‌المللی و ارزش‌های

ترامپ به بهانه حمایت از مسیحیان نیجریه را تهدید به مداخله نظامی کرد

تهدید نظامی به نام مسیح!



تحت تأثیر سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ قرار دارد. مداخله یا فشار سیاسی می‌تواند یکی از ابزارهای ایالات متحده برای تضمین دسترسی به منابع یا حفظ نفوذ اقتصادی در منطقه باشد. از دید آنان، کشورهای آفریقایی باید در ازای این مزایا تعهدات سیاسی و امنیتی بیشتری بپذیرند؛ برای نمونه، همکاری در مهار نفوذ چین و روسیه در قاره، کنترل مهاجرت غیرقانونی و تضمین دسترسی شرکت‌های آمریکایی به منابع حیاتی بایستی در دستورکار قرار گیرد. بنابراین، فشار یا مداخله احتمالی در نیجریه می‌تواند تلاشی برای بازتعریف روابط اقتصادی آفریقا با واشنگتن باشد؛ به‌ویژه در زمانی که رقابت بر سر بازارها و منابع در قاره آفریقا میان قدرت‌های بزرگ به اوج رسیده است.

تأمین می‌کنند. شرایط در شمال غرب نیجریه نیز به دلیل فعالیت تبهکاران سازمان‌یافته موسوم به «راهزنان» بهتر نیست. این گروه‌ها عامل اصلی خشونت سازمان‌یافته علیه همه اقوام و مذاهب کشور به‌شمار می‌آیند. رایش افراد اثرگذار و اخاذی از جوامع محلی به کسب‌وکار روزمره راهزنان تبدیل شده است. در واقع، در غیاب چتر حمایتی دولت، مناطق صعب‌العبور شمالی به پناهگاه گروه‌های تروریستی وبزه‌کارگانوگانو بدل شده‌اند.

تحولات نیجریه، بدون نفوذ نهضت‌های احیای مسیحی در سیاست‌گذاری واشنگتن به دفتر بیضی راه پیدا نمی‌کرد. از این منظر، تصادفی نیست که بسیاری از چهره‌های قدرت‌محور در دولت ترامپ و پیرامون آن از جی. دی. ونس، معاون رئیس‌جمهور تا مارکو روبیو، وزیر خارجه و نیز حامیان‌ی چون استیو بنن به جریان تازه‌ای از راست‌گرایی کاتولیکی تعلق دارند که زبان و

انسانی پایبند بماند.» رهبر مقاومت یمن خاطر نشان کرد: «آمریکا، آلمان و انگلیس با تأمین سلاح برای اسرائیل، در تصمیم برای توقف آتش‌بس اخلاخ ایجاد کرده و به‌روشنی تابع منافع صهیونیست‌ها هستند. در لبنان، دشمن صهیونیستی بیش از ۶۴۰۰ بار آتش‌بس را نفذ کرده و هدف اصلی‌اش خلع سلاح حزب‌الله است؛ تنها نیرویی که از لبنان دفاع می‌کند.»



از سوی دولت انجامیده که به باور او تفرقه‌افکن و ناپایدار است؛ بلکه موجب شکل‌گیری اقتصادی جهانی و بیش از حد باز شده است که در آن، نئولیبرالیسم منافع کارگران و رأی‌دهندگان آمریکایی به‌ویژه مسیحی را در هم کوئیده است. رأی‌دهندگان مسیحی طبقه کارگر طرفدار ترامپ ترجیح می‌دهند با «شیطان آشنا» یعنی رئیس‌ی سختگیر و حریص سروکار داشته باشند تا با یک دموکرات به‌ظاهر حامی کارگران اما در واقع میانه‌رو، به‌گمان آنان، اگر ترامپ بتواند تعرفه‌ها را افزایش دهد و در عین حال مانع ورود مهاجرانی شود که حاضرند با دستمزدی کمتر از شهروندان آمریکایی کار کنند، نتیجه به‌مراتب بهتر خواهد بود.

خوش رقص برای حامیان مالی

باتوجه به احیای سیاست‌گذاری تحت تاثیر مسیحیت در کاخ سفید، مسأله حمایت از هم‌کیشان در اقصی نقاط جهان نیز به موضوع پایگاه رأی دولت ترامپ نیز تبدیل شده است. البته که افکارعمومی آمریکایی با مداخله به‌سبک عراق و افغانستان مخالفند اما بهره‌برداری از اهرم‌های متعدد نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک جهت شکل‌دادن به تحولات نظام بین‌الملل همچنان گزینه‌های محبوب راست‌گرایان محسوب می‌شود. در همین راستا، ترامپ احتمال اعزام نیروهای آمریکایی به نیجریه یا انجام حملات هوایی در این کشور را رد نکرد و روز یکشنبه در جمع خبرنگاران گفت: «من گزینه‌های زیادی را در نظر دارم.» اظهارات ترامپ پس از چند هفته تلاش ولابی‌گری از سوی قانون‌گذاران آمریکایی و گروه‌های مسیحی محافظه‌کار مطرح شد. آنان از او خواسته بودند نیجریه را به‌دلیل آنچه «آزار واذیت مذهبی» خوانده می‌شود، در فهرست «کشورهای دارای نگرانی ویژه» قرار دهد؛ فهرستی که کشورهایی مانند روسیه، عربستان سعودی، ایران و چین نیز در آن حضور دارند. رئیس‌جمهور نیجریه، بولا تیئوبو، تاکنون در برابر سخنان ترامپ درباره احتمال مداخله نظامی واکنشی نشان نداده، اما نسبت به برجسب‌گذاری نیجریه اعتراض کرده و در پیامی در شبکه‌های اجتماعی نوشته است: «تصور یی که از نیجریه به‌عنوان کشوری دارای عدم تسامح دینی ارائه می‌شود، باتأباد دهنده واقیعت ملی ما نیست.» بنابراین به‌رغم مخالفت نیجریه با هرگونه مداخله در امور داخلی، رئیس‌جمهور آمریکا با نزدیک شدن به‌آغاز کارزارهای انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ رقصی جدید برای حامیان مالی مسیحی تدارک دیده‌است.

وتونل‌ها) را حفظ کرده‌است. تحلیلگران صهیونی مدعی‌اند که برای خلع‌سلاح حماس، تنها تسلیم سلاح‌ها کافی نیست، بلکه بازسازی اعتماد، سازوکارهای امنیتی محلی، و تضمین‌های سیاسی نیز باید برای فریب مردم غزه وجود داشته باشد. وقتی این شرایط مهیا نشود، نیروهای ثبات بین‌المللی در برابر اقتدار مقاومت اسلامی فلج خواهند شد. از منظر ساختاری، خلع سلاح حماس بدون یک مسیر سیاسی معنادار و جایگزینی مشروع برای تأمین امنیت غزه ناممکن است. سازمان پژوهشگران امنیت می‌گوید حماس بخشی از هویتش را در «مقاومت مسلحانه» یافته و اواسط جنگ، بدون این سلاح‌ها، نه تنها امنیت خود را از دست می‌دهد، بلکه مشروعیت سیاسی‌اش نیز زیر سؤال می‌رود. بنابراین، طرح ترامپ حول محور ماموریت بین‌المللی که بر پایه خلع سلاح گروه‌های مسلح مقاومت است اما مکانیسم برای جنبش‌های جایگزین فلسطین وجود ندارد، به‌سرعت گرفتار بن‌بست خواهد شد.

استقامت در برابر هویت‌زدایی

پیوند بازسازی با شرط «هویت‌زدایی مقاومت» یعنی خلع سلاح و حذف نقش سیاسی اجتماعی گروه‌های مقاومتی روند احیای زیرساخت‌ها را ناممکن یا ناقص می‌کند؛ بازسازی‌ای که امنیت و کرامت محلی را نپذیرد، از هویت جمعی و مطالبات سیاسی فلسطینیان جدا خواهد شد. بنابراین برنامه‌هایی که بازسازی را موکول به حذف نشانه‌های مقاومت کنند، نه‌تنها مشروعیت را از دست می‌دهند بلکه پتانسیل باگشت خشونت و بی‌ثباتی را افزایش می‌دهند. چشم‌انداز بازسازی غزه بدون در نظر گرفتن نقش فعال مقاومت، صرفاً بازسازی فیزیکی و نه اجتماعی یا سیاسی است. هرگونه تلاش برای احیای زیرساخت‌ها بدون مشارکت گروه‌های محلی و بدون درک واقعی از نیازها و انتظارات فلسطینیان، با بی‌اعتمادی گسترده مواجه می‌شود و مشروعیت بین‌المللی و محلی طرح را به‌شدت کاهش می‌دهد. چنین رویکردی خطر ایجاد یک «غزه مصنوعی» را دارد که مردم آن را متعلق به خود نمی‌دانند و باگشت تنش‌ها را تشدید می‌کند. علاوه بر این، شرط خلع سلاح و حذف نشانه‌های مقاومت، پیامدهای روانی و هویتی برای جامعه فلسطینی دارد. مردم غزه مقاومت را بخشی از هویت جمعی و دفاع مشروع خود می‌دانند و هرگونه تلاش برای حذف این عنصر، نه تنها احساس امنیت آنها را تضعیف می‌کند بلکه ظرفیت صلح پایدار را نیز محدود می‌سازد.

طرح غرب، بیش از حفاظت غیرنظامیان غزه، منافع رژیم صهیونیستی را تضمین می‌کند

نفوذ با نقاب صلح



بدون چشم‌انداز سیاسی و تضمین حقوقی برای فلسطینیان به بن‌بست و باگشت خشونت انجامیده است. نمونه تاریخی دیگری که می‌توان آن را به‌عنوان الگوی شکست توافقی‌ها و طرح‌های «آتش‌بس قیمومیتی» بررسی کرد، دوره قیمومیت انگلیس بر فلسطین است (۱۹۴۸-۱۹۱۷). لندن در این دوره تلاش می‌کرد تعادل میان جمعیت مسلمان و یهودی را حفظ کند اما سیاست‌ها و اقداماتش عمدتاً به نفع جنبش صهیونیستی بود. وعده بالفور در ۱۹۱۷ و حمایت‌های نظامی و مهاجرتی از یهودیان، موجب شد که فلسطینیان مسلمان و مسیحی نقش محدودی در تعیین سرنوشت خود داشته باشند.

برخلاف توهمات غربی، حماس به‌صراحت گفته نمی‌تواند متعهد به خلع سلاح شود، چراکه سلاح مقاومت را «حق ملی و قانونی» خود می‌داند. این موضع، ماموریت‌هایی مانند نظارت یا کنترل سلاح را با بن‌بست مواجه می‌کند؛ وقتی طرف اصلی گفت: «نمی‌توانم به‌له یا خبر بگویم» برای طرح خلع سلاح، دیگر نمی‌توان انتظار داشت که فرآیندی روان و کامل برای خارج‌شدن سلاح‌های مقاومت شکل گیرد. بعد از سال‌ها جنگ و تلاش‌های نظامی، حماس همچنان ساختار نظامی و شبهه‌های تسلیحاتی (از جمله سلاح‌های سبک